

🔗 موضوع: تأثیرات پیدا و پنهان معماری و شهرسازی بر کاهش عاملیت زنان

🔗 مدرس: سرکار خانم دکتر مریم منصوری

#### 📌 عاملیت زنان در گذشته

در گذشته عاملیت زنان با محوریت خانه اتفاق می‌افتاد. زیرا اساساً شهرها مستور بوده‌اند و قدرت عاملیت زنان در خانه بسیار فراگیر بوده است. در همین راستا بسیاری از مناسبات اجتماعی زنان در خانه رقم می‌خورد که به عنوان مثال می‌توان از **سوادآموزی زنان** یاد کرد.

#### 🔗 تغییرات شهری و آسیب به عاملیت زنان

لکن به مرور با تغییر کالبد شهر، خانه و در نتیجه عاملیت زنان تغییرات مهمی به خود دید و آسیب‌هایی را وارد ساخت. از مواردی که به عاملیت زنان در خانه آسیب زد می‌توان به این امور اشاره کرد:

۱. **کوچک شدن مساحت خانه‌ها:** با کوچک شدن مساحت خانه‌ها قدرت مانور از زنان گرفته شد و باعث شد زنان به صحن جامعه بیایند.

۲. **از بین رفتن مفهوم محله:** در گذشته محله به عنوان وطنی کوچک مفهوم داشت، جایی که محلی برای کار کردن و تقریح زنان بوده است؛ اما امروزه با بوجود آمدن سازه‌های عمودی، دیگر محلات کارکردی ندارند.

۳. **از بین رفتن شناخت‌ها در نسبت با یکدیگر:** مبحثی در علم روانشناسی وجود دارد که می‌گوید: هرچقدر بر تراکم خانه‌ها افزوده شود و از مساحت آنها کم گردد، این تحولات تأثیر مستقیم در انزوای انسان‌ها دارد.

۴. **از بین رفتن حریم خصوصی:** زندگی در آپارتمان‌ها باعث شده تا حریم خصوصی آدم‌ها از بین برود و در واقع ما اطلاعات زیادی از افرادی داریم که اصلاً آنها را نمی‌شناسیم!

۵. **ضربه به سلامت جسمانی و روانی زنان و کودکان:** با کم شدن مساحت خانه‌ها و از بین رفتن محلات، آسیب‌های جبران ناپذیری به زنان و کودکان نیز وارد می‌شود از جمله: شیوع بیماری‌های پوستی به خاطر عدم جذب نور کافی، عدم تحرک کافی برای کودکان، انزوا و گوشه‌گیری و ...

۶. **میل پیدا کردن به تجمل و مصرف گرایی:** با کوچک شدن خانه‌ها و از بین رفتن عاملیت مولد زنان در خانه، این عاملیت آنها به انحاء دیگری از جمله تجمل و مصرف‌گرایی تغییر پیدا کرده است.

▼ اینجاست که می‌توان ربط منطقی مهمی میان فضا و کالبد شهری و عاملیت زنان را مشاهده کرد.

## ❖ وجود سه سنخ زن و چالش‌های ایده‌های مرتبط با زیست‌شهر

اکنون در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در ایده زیست شهر با ۳ نوع از زنان مواجه هستیم:

۱. زن مستور ( پرده نشین)

۲. زن مکشوف

۳. زن محجوب

▼ هنگام طراحی ایده‌هایی برای شهرسازی مانند همین ایده‌ی زیست‌شهرهای نوین مولد، ما در نسبت با زنان و این گوناگونی، با پرسش‌ها و چالش‌هایی مواجه هستیم:

الف: آیا در این برهه از زمان که دائماً عاملیت مولد زنان سرکوب می‌شود و از طرفی هر نوع فعالیت در اجتماع، تکامل و تعالی زن را نشان می‌دهد، می‌توان پرده نشینی و عامل مولد بودن را هم زمان به زن القاء کرد؟!

ب: آیا ما می‌توانیم برای زن محجوب که از یک سو می‌خواهد عاملیت خودش را در خانواده به عنوان مادر و همسر داشته باشد و از سویی دیگر احساس بالندگی کند، شهری ترسیم کنیم و امور را برای چنین فردی تسهیل نماییم؟

ج: به نظر می‌آید شهری که اکنون ترسیم شده و کالبد و فضای خودش را به ما تحمیل می‌کند، شهری مکشوف است و خود شهر نیز اصرار بر عریانی دارد. مثل پنجره‌هایی که رو به خیابان است، آشپزخانه‌هایی که اُپن است، سرویس بهداشتی‌هایی که عمدتاً دربشان رو به حال است و ... در چنین وضعیتی چگونه زن می‌توان محجوب باشد؟ به بیان دیگر وظیفه زنان در این وضعیت، یا جنگیدن است که اساساً مخالف با فطرت اوست (زیرا زن‌ها بیشتر علاقمند به جمع کردن و صلح دادن هستند) و یا سازش و وادادگی نسبت به ادامه این روش.

## ❖ ضرورت ایجاد شهرسازی جنسیت‌مدار

لذا ضرورت دارد که برای حفظ محجوبیت زن و عاملیت وی به صورت توأمان، در مدل‌های شهرسازی خود تغییرات متناسب ایجاد کنیم.

▼ از جمله مواجهاتی که می‌توانیم در نسبت با ساخت شهرها داشته باشیم، دست برداشتن از تراکم‌سازی و کمک به بهینه کردن سازه‌ها است. سازه‌هایی که جنسیت‌مدار باشد و به عاملیت زن در نقش مادری و همسری کمک کند.